journal homepage: www.sjfm.ir

Iranian Journal of Forensic Medicine

Iran J Forensic Med. 2021 Dec;27(3):141-154 Volume 27, Issue 3, Autumn 2021 Review Article

Criminal Effects of Gender Reassignment After Committing a Criminal Offense

Abdulali Tavajohi[1] PhD, Hossein Ardalan[2*] MA

[1] Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran
[2] Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

***Correspondence to:** Hossein Ardalan, Email: hoseinardalan4@gmail.com

ARTICLE INFO

Article history:
Received: May 10, 2021
Accepted: July 5, 2021
Online Published: December 6, 2021

Keywords:
Gender
Sex reassignment
Transgender
Jurisprudence
Ta'zir and criminal effects

HIGHLIGHTS

1. According to the existing jurisprudential documents, the inclusion of all the rulings and criminal effects of gender reassignment in punishments on a transgender person will be a function of gender at the time of the crime.
2. Due to the necessity of transgender people and the need for treatment and gender reassignment of these people, according to the current gender, legal and criminal rules should be considered about them.

ABSTRACT

One of the important subjects and issues in medical sciences that has caused the emergence of new legal and jurisprudence issues in the society, is sex reassignment surgery (SRS). Although in the past, these discussions have more or less been under discussion, nowadays due to technological progress and medical science achievements, new aspects of this subject have emerged. Despite different views concerning sex reassignment surgery (SRS) permission, famous jurisprudents have in principle accepted the act of sex reassignment surgery (SRS) as such, if it is required and necessary and based on medical prognosis. In case of sex reassignment surgery (SRS) will be affected with due regards to all updated medical standards and diagnosis of a medical expert, is conform to legal rules and principles of laws, and is not in conflict with public order and good ethics. Thus, in present Iranian legal system conditions and concerning religious well-known juridical documentation, sex reassignment surgery (SRS)'s applying all orders and its penal effects in punishing the perpetrator, both men and women will be punished for their current gender. Ultimately, owing to the necessity of treating transgender people according to popular opinion and the need for treatment and determining the sex of these people, based on the current gender, legal and criminal rules should be considered about them.

How to cite: Tavajohi A, Ardalan H. Criminal effects of gender reassignment after committing a criminal offense. Iran J Forensic Med. 2021;27(3):141-54.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

Copyright © 2021 The Author(s); Published by Legal Medicine Research Center. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

مجله
پزشکی قانونی ایران

www.sjfm.ir



دوره ۲۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۱۴۱ تا ۱۵۴

مقاله مروری

آثار کیفری تغییر جنسیت بعد از وقوع جرم تعزیری

عبدالعلی توجهی[۱] PhD، حسین اردلان[۲*] MA

[۱] گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
[۲] گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

***نویسنده مسئول:** حسین اردلان، پست الکترونیک: hoseinardalan4@gmail.com

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:
دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰
پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴
انتشار برخط: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

واژگان کلیدی:
جنسیت
تغییر جنسیت
فراجنسیتی
فقه
تعزیر و آثار کیفری

نکات ویژه

۱. مطابق مستندات فقهی موجود، شمول کلیه احکام و آثار کیفری تغییر جنسیت در تعزیرات بر شخص تغییر جنسیت یافته، تابع جنسیت زمان وقوع جرم تعزیری خواهد بود.
۲. با توجه به ضرورت افراد فراجنسیتی و لزوم درمان و تغییر جنسیت این افراد، می بایست به تبع جنسیت فعلی، قواعد حقوقی و کیفری در مورد آنها لحاظ گردد.

چکیده

یکی از موضوعات مهم و مبتلابه در علم پزشکی که سبب پیدایش مسائل جدید فقهی و حقوقی در جامعه شده، مسئله تغییر جنسیت است. هرچند در گذشته این مباحث کم و بیش وجود داشته اما در حال حاضر پیشرفت تکنولوژی و علم پزشکی ابعاد جدیدتری از این بحث را پیش روی ما قرارداده است. باوجود نظرات متفاوت در باب جواز تغییر جنسیت، مشهور فقهای شیعه عمل تغییر جنسیت را به اقتضای ضرورت و به تشخیص پزشک به عنوان مبنا پذیرفته‌اند. اولین مسئله حائز اهمیت درخصوص تغییر جنسیت، تغییر احکام و تکالیف فرد از منظر فقهی، حقوقی و کیفری است. تغییر جنسیت درصورتی که با رعایت تمام استانداردهای روز پزشکی بر حسب تشخیص متخصص انجام شود، با قواعد و اصول حقوقی منطبق و با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایر نیست و در شرایط فعلی نظام حقوقی ایران و باتوجه به مستندات مشهور فقهی موجود، شمول کلیه احکام و آثار کیفری تغییر جنسیت در تعزیرات بر وضعیت مرتکب جرم اعم از جرایم تعزیری مختص مردان و جرایم تعزیری مختص زنان در راستای صدور حکم و اجرای مجازات تابع جنسیت فعلی او خواهد بود. در نهایت باتوجه به ضرورت معالجه افراد فراجنسیتی مطابق نظر مشهور و لزوم درمان و تعیین جنسیت این افراد می‌بایست به تبع جنسیت فعلی، قواعد حقوقی و کیفری درمورد آنها لحاظ شود.

مقدمه

پیدایش پدیده‌های نوظهور جدید ناشی از پیشرفت هر روز علم و تکنولوژیاست که این موضوعات جدید طبعاً مباحث جدید فقهی و حقوقی را به دنبال دارد. یکی از این مباحث مهم مستحدثه فقهی و حقوقی که امروزه اندیمشندان این حوزه‌ها را به تأمل وا داشته و آنها را به بررسی ابعاد مختلف و چالش‌های موجود در این قضیه سوق داده، تغییر جنسیت است. مقصود از تغییر جنسیت آن است که هویت و جنسیت مرد یا زن به کلی تغییر یابد. آنچه تاکنون در علم پزشکی سابقه دارد، غالباً دو گروه از افراد در معرض و موضوع تغییر جنسیت هستند. گروه اول، افرادی که در اصطلاح فقه و حقوق تحت عنوان «خنثی» شناخته می‌شوند و شامل کسانی می‌شوند که دارای علائم جنسی رجولیت و اناثیت (مردانگی و زنانگی) هستند. گروه دوم، افرادی که علائم جنسی بدنی آنها با گرایشات و تمایلات جنسی آنها موافق نبوده و با هم معارض است که به «خنثی روانی» شناخته می‌شوند. البته ممکن است افرادی وجود داشته باشند که فاقد مشکل جسمی بوده و از لحاظ ظاهر به طور کامل مرد یا زن

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

هستند اما از روی هوی و هوس و تمایلات زودگذر خواهان تغییر جنسیت باشند. این قبیل افراد فاقد هر گونه بیماری جسمی یا روحی هستند و برای تغییر جنسیت، اضطرار یا توجیه عقلایی درمورد آنها وجود ندارد. در عمل نیز پزشکان با تغییر جنسیت این گروه مخالف هستند و مصادیق خارجی این قبیل تغییر جنسیت‌ها بسیار اندک است. این عده از افراد به دلیل خروج موضوعی از موضوع پژوهش حاضر مورد بحث قرار نمی‌گیرند.

باتوجه به سابقه موضوع و در پرتو پیشرفت علم پزشکی جراحی و پیوند اعضا، امروزه پزشکان متخصص می‌توانند افرادی را که در معرض این درمان قرار می‌گیرند و به نوعی از لحاظ جسمی یا روانی و یا هر دو مشکل جنسی را دارند و تغییر جنسیت را برای بهبود وضعیت او مناسب تشخیص دهند، جنسیت این اشخاص را تغییرداده و علائم و ممیزی جنسیتی را از شخص برداشته و علائم و نشانه‌های جنسیت مخالف را در او قرار دهند.

نظر به اهمیت موضوع و نقشی که جنسیت و حقوق مترتب بر آن در زندگی اجتماعی انسان ایفا می‌کند و نیز از جنبه اجتماعی که جنسیت سبب زاد و ولد و بقای نوع انسان می‌شود، باید در حفظ آن دقت کرد. از طرف دیگر، ذکر این مطلب ضروری است که بنا به نقشی که تغییر جنسیت در زندگی شخصی و خصوصی فرد ایفا می‌کند، چنانچه فرد مبتلا به طور صحیح و مطابق استانداردهای پزشکی به جنس مخالف تغییر جنسیت داد، بدیهی است که این فرد از حالت اضطراب و افسردگی خارج شده و به حالت نشاط و آرامش طبیعی خود برمی‌گردد، اما چنانچه به دلیل تمایل خود و برخلاف مقررات علم پزشکی تغییر جنیست دهد، مشکلات جسمانی و روانی‌اش مضاعف خواهد بود. به عبارت دیگر، افرادی که به اختلالات هویت جنسیتی مبتلا می‌شوند، با مشکلات و نابه‌سامانی‌های بسیاری روبه‌رو خواهند شد که گاهی اوقات حتی آنها را تا مرز خودکشی پیش خواهد برد.

درصورتی که اگر این افراد مطابق استانداردهای پزشکی تغییر جنسیت دهند، از حالت اضطراب و افسردگی خارج شده و هویت خویش را باز خواهند یافت. از آنجا که فرد مبتلا از یک وضعیت نابه‌هنجار به یک وضعیت جدید (مذکر به مؤنث یا مؤنث به مذکر) تغییر حالت می‌دهد، بخش مهمی از اثرات اجتماعی این تغییر به علم حقوق مربوط می‌شود. بنابراین اثرات حقوقی مترتب بر این مسئله از جمله حقوق و تکالیف فرد باید مشخص شود.

باتوجه به آنچه گفته شد، جنسیت در زندگی شخصی و اجتماعی فرد نقش اساسی دارد. با عنایت به حقوقی که به هر یک از دو جنس مذکر و مؤنث تعلق می‌گیرد، ضروری است که موضوع تغییر جنسیت مورد بحث و بررسی واقع شود. از طرفی مطابق منابع فقهی، تغییر جنسیت تصرف در مخلوق است، نه در خلقت و چنین عملی اشکال شرعی نخواهد داشت؛ البته به اقتضای ضرورت و به تشخیص پزشک. بنابراین بررسی آن به لحاظ فقهی و حقوقی توأم با بررسی آن در علم پزشکی ضروری است.

در حقوق اسلام هرچند سابقه تغییر جنسیت به زمان حکومت حضرت علی (ع) برمی‌گردد اما در فقه اسلامی و حقوق ایران درمورد آثار و پیامدهای حقوقی و کیفری آن چندان تحقیقی انجام نشده و از طرفی، از لحاظ قانونی نیز قانون خاصی درباره شرایط مشروعیت یا آثار حقوقی و کیفری آن تصویب نشده است. البته بعد از سال ۱۳۶۴ و باتوجه به فتوایی که حضرت امام خمینی (قدس سره) در این زمینه مطرح کردند، روند حقوقی این مسئله در ایران تسهیل شد. در حقیقت بعد از فتوای امام (قدس سره) که در این زمینه ارائه فرمودند، مجوز شرعی درخصوص تغییر جنسیت محسوب می‌شود. افرادی که ادعا می‌کنند بیمار هستند و دچار اختلال هویت جنسی، به دادگستری ارجاع داده می‌شوند. دادگستری هم آنها را به پزشکی قانونی معرفی کرده و پزشکی قانونی با پزشکان گوناگونی که در اختیار دارد شخص بیمار را معاینه می‌کند و با انجام آزمایش‌هایی و درصورت اثبات، تغییر جنسیت انجام می‌شود. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، از جمله آلمان و ترکیه، در این زمینه مقررات خاصی وضع شده است.

هرچند دسته‌بندی‌های مختلفی درخصوص تغییر جنسیت در علم روانشناسی و روانپزشکی وجود دارد اما محور اصلی این مقاله بر روی افراد فراجنسیتی (ترانس سکسوال‌ها) است که مشکلات ژنتیکی ندارند، اما از لحاظ روانی گرایش به جنس مخالف دارند. به عبارت دیگر، این فرد دچار مشکل فقدان تناسب فیزیک جسمی خود با ذهنیت و احساساتش نسبت به هویت جنسیتی خود است. بنابراین اوصاف کیفری این قبیل بیماران، خاصه در تعزیرات، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

موضـوع اصلی ایـن مقالـه درخصوص تغییر جنسـیت و تعزیرات اسـت. معانی‌ای که برای تعزیر به کار رفته است شامل: ۱- مجازات کردن، گوشمالی دادن. ۲- مجازاتی که از حد کمتر است و میزان آن را قاضی یا امام تعیین می‌کند. ۳- اجرا کردن مجازاتـی که از حد کمتر اسـت [۱]. در قرآن تعزیر (از ریشـه عـزر) به معنای یاری کـردن به کار رفته اسـت [۲]. تعزیر در کتاب‌هـای لغت به معنـای تعظیم و توقیر و بـه مفهوم تأدیب نیز آمده اسـت. تنبیه کمتر از حد را هـم تعزیر می‌گویند [۳]. همچنین تعزیر در لغت به معنی تأدیب کردن اسـت و در تعزیر مثل جاسوسی مرتکب را می‌زنند به مقداری که ادب شود. عدد معینی برای آن در نظر گرفته نشده و بستگی به نظر حاکم شرع دارد [۴]. بـه عبارت دیگر، هر جرمی که مجازات معین داشـته باشد «حد» و هر جرمی که مجازات معین نداشته باشد «تعزیر» نامیده می‌شود [۵]. در فقه، تعزیر شامل مجازات یا عقوبتی است که غالباً مقدار آن را شارع معین نکرده است. مضاف بر اینکه در تعریف تعزیر آمده است: تعزیر مجازاتی است با مشخصات ذیل: الف) حداکثر و حداقل دارد. ب) حداکثر آن در قانون معین است و باید به اندازه حد نباشـد. ج) تعییـن حداقل به اختیار قاضی است. مقنن اسلام پاره‌ای از تعزیرات را به طور قاطع معین کرده و بـه همین دلیل فرقی با حد نـدارد. فقط در چنین موردی به حسـب نوع جرم معلوم می‌شـود که یک مجازات، حد است یا تعزیر، زیرا جرایم مستلزم حد محدود و مشخص است. به همین دلیل در تعریف تعزیر گفته‌اند: عبارت است از مجازات جرمی که قانون آن جرم را مسـتوجب حد ندانسته باشد [۶]. به طور کلی فقهای امامیه براسـاس نگرشـی که به مجازات تعریز داشته‌اند آن را به عنوان مجازات بدنی تلقی کرده و به سـایر مجازات‌ها از قبیل زندان، جریمه نقدی و همانند آن توجهی نکرده‌اند. با این وجود برخی از فقها تعزیر را منحصر به مجازات بدنی ندانسته و با صراحت اعمال سایر مجازات‌ها از قبیل حبس، توبیخ و اخذ مال را به عنوان تعزیر جایز دانسته‌اند [۷]. قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۸ در تعریف تعزیر مقرر می‌دارد: «تعزیر مجازاتی است که مشـمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شـرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شـود. نوع، مقـدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سـقوط و سـایر احکام تعزیر بـه موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری با رعایت مقررات قانونی موارد ذیل را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف) انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی در حین ارتکاب جرم.

ب) شیوهٔ ارتکاب جرم، گسترهٔ نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن.

پ) اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم.

ت) سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر او.

در ایـن ماده، تعزیر مجازاتی قلمداد شـده اسـت که اولاً از نوع حد، قصاص و یا دیه نیسـت. ثانیاً در موارد ارتکاب محرمات شـرعی یا نقض مقررات حکومتی اعمال می‌شـود و ثالثاً دادگاه مکلف است در صدور حکم تعزیری برخلاف مجازات‌های سه‌گانه حد، قصاص و دیه، افزون بر جرم به وضع و حال مجرم نیز توجه کند.» [۸] در قانون سابق «تعزیر» مجازاتی بود که حاکم آن را تعیین می‌کرد و معلوم نبـود که منظور از حاکم، حکومت (قوه مقننه) اسـت یا حاکم دادگاه. قانـون جدید این ابهام را برطرف کرد و تعیین مجـازات را در صلاحیت انحصاری قانون‌گذار قرار داده و حاکم دادگاه در محدوده‌ای که قانون تعیین کرده، تصمیم می‌گیرد. البته دادگاه نیز در راسـتای اصل فردی کردن مجازات اختیاراتـی در چارچوب قانون دارد [۹]. کتـاب پنجم از قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» بـه تعیین ایـن مجازات‌ها می‌پردازد. بنابرایـن در این بخش از قانون مجازات اسلامی جرایمی هستند که برخی از آنها به مردان و برخی دیگر به زنان اختصاص می‌یابد. حال چنانچه شـخصی مرتکب جرایم تعزیری شد و قبل از صدور حکم، مجازات و اجرای آن تغییر جنسیت دهد، آیا تغییر جنسیت مرتکب جرم، تأثیری در کیفر جرم ارتکابی خواهد داشـت یا نـه؟ (البته عمل تغییر جنسیتی که مجاز باشد و مبنای مجاز بودن نیز براساس فتوای فقهـا و رویه‌های موجود که در حال حاضر براسـاس آنها تغییر جنسیت در ایران انجام می‌شود، نه تغییر جنسیتی که غیرمجاز اسـت) در اینجا ضروری است تأثیر تغییر جنسیت در هر یک از جرایم مختص زنان و جرایم مختص مردان مورد بحث و بررسی قـرار گیرد. از این رو لازم اسـت آثار کیفری مرتکب جرم تغییر جنسـیت یافته بعد از ارتکاب در جرایم تعزیری که شامل تغییر جنسیت و تأثیر آن در جرایم مختص زنان و نیز تغییر جنسیت و تأثیر آن در جرایم مختص مردان است، مورد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

تغییر جنسیت و تأثیر آن در جرایم مختص زنان

آمار و ارقام جرایم ارتکابی توسط زنان، نشانگر این مطلب است بسیاری از جرایمی که توسط زنان ارتکاب می‌یابد و در این قبیل جرایم مباشرت یا مشارکت داشته‌اند، به نقش جنسیتی آنان ارتباط داشته و علاوه بر خاص بودن اغلب آن جرایم، تمایل آنها به جرایمی از جمله علیه اشخاص، اخلاق و عفت عمومی نیز قابل تأمل است. از طرفی، زنان به علل گوناگون معمولاً جرایمی را مرتکب می‌شوند که به توانایی کمتری نیازمند است. از این رو بزهکاری آنها معمولاً کمتر خشونت‌بار و اغلب با خدعه و نیرنگ توأم است. در ادامه تأثیر تغییر جنسیت در جرایم ارتکابی شاخص و مختص زنان از جمله شامل رعایت نکردن حجاب شرعی و ازدواج با دیگری در زمان زوجیت یا عِدّه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

رعایت نکردن حجاب شرعی

از جمله جرایمی که اختصاص به زنان داشته و تنها زنان مرتکب آن می‌شوند و درخصوص مرتکبان مرد ممنوعیتی ندارد، رعایت نکردن حجاب شرعی است. تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات در این خصوص مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شود به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از ۵۰هزار تا ۵۰۰هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» مطابق مقررات فقهی و شرعی بانوان مکلف به پوشانیدن تمام بدن به غیر از صورت و کفین هستند [۱۰]. بدین معنا که حجاب شرعی مورد اشاره در تبصره ۶۳۸ قانون تعزیرات پوشانیدن تمامی بدن به استثنای صورت و دو دست تا مچ را شامل می‌شود. بنابراین تبصره این ماده فقط درمورد حجاب و پوشش شرعی زنان وضع شده است. البته قابل ذکر است که از نظر شرعی مرد تکلیف به رعایت پوشش مناسب در معابر و انظار عمومی داشته که می‌تواند مشمول ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات (به لحاظ رعایت نکردن موازین شرعی و تظاهر به عمل حرام) شود، همچنین در فرض اینکه قوانین موضوعه را در این خصوص فاقد دستور صریح فرض کنیم، می‌توان موضوع را در چارچوب قواعد فقهی از جمله: کل فعل الحرام فعلیه العقوبه، التعزیر بما یراه الحاکم و التعزیر دون الحد بررسی کرد. ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی کند، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و درصورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست اما عفت عمومی را جریحه‌دار کند، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد...»

به طور کلی و درصورتی که فردی مرتکب جرم تعزیری شود و سپس تغییر جنسیت دهد، در صدور حکم و اجرای آن جنسیت فعلی فاعل جرم تعزیری ملاک خواهد بود یا جنسیت سابق؟ اهمیت این موضوع در جایی است که برخی جرایم مختص به زنان هستند، شامل رعایت نکردن حجاب شرعی و خود را به عقد دیگری درآوردن در زمان زوجیت یا عده. همچنین برخی از جرایم اختصاص به مردان دارد شامل ایجاد مزاحمت برای زنان، ترک انفاق، تزویج زن شوهردار یا در عده دیگری، ثبت نکردن ازدواج دائم، طلاق و رجوع، ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی و غیبت و فرار از خدمت وظیفه. در پاسخ فقهای شیعه به شرح ذیل معتقدند [۱۱]:

آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: «اجرای تعزیرات منصوص در فروض تغییر جنسیت محل تأمل و اشکال است و اطلاق ادله به گونه‌ای نیست که موارد تغییر جنسیت را شامل شود. بنابراین در این‌گونه موارد حاکم شرع خبیر جامع‌الشرایط می‌تواند برحسب جنایت و قدرت و توان جانی حکم به تعزیر مادون حد کند.»

آیت‌الله سید عباس مدرسی یزدی: «جواب در مسائل پزشکی و مسائل مستحدثه بیان کردیم که در نظر این‌جانب تغییر جنسیت ولو به حسب ظاهر انجام شود لیکن در واقع به همان جنس اوّلی باقی است و احکام آن جنس اولی مترتب می‌شود؛ چه مرد بوده تغییر داده یا زن بوده به مرد تغییر داده. در قرآن کریم می‌فرماید (در سوره شوری، آیه ۴۹) {یَهَبُ لِمَن یَشَاءُ إِنَاثًا وَ یَهَبُ لِمَن یَشَاءُ الذُّکُورَ} این بخشش خدایی است از خلقت تکوینی و قابل تغییر نیست و هر چه در ظاهر تغییر دهد اثری در آن امر تکوینی خدادادی ندارد و لذا فروعاتی که بر آن ترتیب داده‌اید به همان حکم اوّلی باقی است. بله بنابر قول تغییر جنسیت که حقیقت تغییر کند (و نمی‌کند) احکام فعلی بر او مترتب می‌شود.»

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی: «حکم همان است که بیان شد اما جرایمی که در حال جنسیت واقعی قبلی صورت گرفته، احکام نیز تابع همان جنسیت است.»

آیت‌الله سید محمد حسینی شاهرودی: «زمان تعزیر

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

رعایت می‌شود.»

آیت‌الله محمدعلی علوی گرگانی: «ملاک جنسیت زمان وقوع جرم تعزیری است.»

آیت‌الله محمد رحمتی: «جواب مانند صور بالا (جنسیت زمان وقوع جرم تعزیری) است.»

بنابراین درصورتی که زنی بدون رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوددو سپس تغییر جنسیت دهد، با عنایت به نظر فقهای شیعه، جنسیت زمان وقوع جرم تعزیری ملاک و مبنا در صدور حکم و اجرا قرار خواهد گرفت. بنابراین زنی که مرتکب جرم تعزیری موضوع تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات شده و قبل از صدور حکم و اجرای آن به مرد تغییر جنسیت دهد، همچنان مشمول تبصره ماده ۶۳۸ بوده و جنسیت زمان وقوع جرم تعزیری (زن) مبنای صدور حکم و اجرای آن خواهد بود.

ازدواج با دیگری در زمان زوجیت یا عِدّه

از جرایم دیگری که اختصاص به زنان دارد درمورد زنی است که با وجود در قید بودن زوجیت یا عِدّه دیگری، خود را به عقد دیگری درآورد. ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات در این خصوص مقرر می‌دارد: «کسانی که عاملاً مرتکب یکی از یکی از اعمال ذیل شوند به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و یا از ۳ تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عِدّه دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد درصورتی که منجر به مواقعه نشود.

۲- هر کسی که زن شوهردار یا زنی را که در عِدّه دیگری است برای خود تزویج کند درصورتی که منتهی به مواقعه نشود.»

منظور از مواقعه در این ماده همان زنا است و حکم این ماده تا زمانی که مواقعه صورت نگرفته، اجرا می‌شود و درصورت وقوع مواقعه، احکام زنا در این مورد جاری می‌شود. همچنین لفظ عِدّه در این ماده هم اطلاق دارد و شامل تمامی انواع عِدّه از قبیل: عِدّه طلاق، فسخ نکاح، فوت، بذل یا انقضای مدت و وطی به شبهه خواهد بود و زوجیت هم اعم از دائم یا منقطع است و نوع آن تأثیری در تحقق این جرم ندارد [۱۲]. بند اول ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات نیز از جمله جرایم مختص زنان است. بدین‌ترتیب در فرضی که زن و مرد هر دو معتقد به پایان عِدّه هستند یا اینکه ازدواج خود را صحیح می‌دانند اما بطلان ازدواج بعداً کشف شود، بدیهی است که عمل آنها جرم نخواهد بود و اگر مواقعه نیز انجام پذیرفته، وطی به شبهه است. البته درصورتی که زن به شوهر داشتن و یا در عِدّه بودن خود آگاهی داشته باشد و با این وجود، خود را به نکاح مرد دیگری درآورد، مرتکب جرم شده و طبق بند اول ۶۴۴ قانون تعزیرات، مجازات خواهد شد، مضاف بر اینکه چنین نکاحی نیز باطل است و هیچ‌گونه اثر شرعی از لحاظ ایجاد عقله زوجیت بر آن بار نخواهد شد. اگر مرد و زن آگاه به موضوع باشند و عقد را جاری کنند هر دو مشمول این ماده خواهند بود [۱۳]. بنابراین درصورتی که هر یک از زن و شوهر آگاهانه و عالمانه مرتکب این جرم شدند، هر دو مجازات می‌شوند. لازم به ذکر است که شمول ماده ۶۴۴ تا زمانی است که ازدواج زن شوهردار به مواقعه منجر نشود. بنابراین درصورتی که ازدواج زن و شوهر به مواقعه منجر شود، زنای محصنه محسوب می‌شود. همچنین اگر نکاح منجر به نزدیکی شوند و نزدیکی به صورت زنا باشد فقط مجازات زنا اعمال می‌شود اما اگر رابطه نامشروع برقرار شود، مجازات ماده ۶۴۴ اعمال خواهد شد و اعمال تعدد مجازات موضوع ماده ۶۳۷ منتفی است. [۱۴].

درخصوص تأثیر تغییر جنسیت در زوجیت، اگر زنی در زمان عِدّه تغییر جنسیت بدهد و مرد شود، عِدّه‌اش ساقط می‌شود حتی اگر عِدّه وفات باشد.» [۱۵] درمورد زوجیت درصورتی که یکی از زوجین (در اینجا در فرضی که زن تغییر جنسیت دهد) یا هر دو (زن و شوهر) به صورت غیرهمزمان جنسیت خود را تغییر دهند، در این دو حالت مطابق نظر برخی از فقها عقد نکاح از زمان تغییر جنسیت باطل می‌شود [۱۶]. همچنین با عنایت به عرف عقلا و نظر حقوقدانان و دقت در مواد قانونی مربوط به صحت نکاح، روشن می‌شود که اختلاف واقعی جنسیت طرفین عقد شرط صحت نکاح است و اگر این شرط اساسی محقق نشود، عقد صحیحاً منعقد نمی‌شود در نتیجه از زمانِ تغییر جنسیت معلوم می‌شود که جنسیت طرفین قرارداد واقعاً اختلاف نداشته و نکاح باطل است [۱۷] هر چند بعد از تغییر جنسیت، دیگری نیز جنسیت خود را تغییر دهد، علقه زوجیت ایجاد نخواهد شد. حال درصورتی که زوجین به طور همزمان تغییر جنسیت دهند، نزدیک‌تر به احتیاط آن است که عقد نکاح را تجدید کنند و زن فعلی با مرد دیگر غیر از مردی که قبلاً زنش بود ازدواج نکند مگر با طلاقی که با اذن هر دو واقع شود، هر چند که بعید نیست نکاح آنها باقی بماند [۱۸]، اما اگر تغییر حقیقی باشد، زوجیت بلافاصله فسخ می‌شود و می‌توانند مجدداً عقد ازدواج

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

را در شـکل جدید بخوانند، اما ولی احتیاط آن است زمان عده بگذرد [۱۹]. اگر زن و شـوهر تغییر جنسیت دهند، عقد باطل می‌شـود [۲۰]، اما هر گاه تغییر جنسیت همزمان باشد در باقی ماندن نکاح آنان اشـکال اسـت. نزدیک‌تر بـه صواب این نظریه اسـت که درصورت تغییر جنسیت زن و شوهر به طور همزمان، نکاح باطل می‌شـود [۲۱]. از طرفی، حقیقت زوجیت مذکور با تغییر جنسـیت قطعاً از بین مـی‌رود، زیرا زن و مرد در زوجیت موضوعیت دارند و با تغییر جنسـیت موضوع اضافه مذکور باقی نمی‌ماند اما حدوث زوجیتِ مطلق و کلی مشکوک است. بنابراین در هیچ کدام استصحاب جاری نمی‌شود چون مجری ندارد، زیرا زوجیت خـاص قطعاً از بین رفته و حـدوث زوجیت مطلق نیز مشـکوک است [۲۲]، اما اگر هر دو با هم تغییر جنسیت دهند، احتیاط آن اسـت که مجدداً ازدواج کنند و زن با دیگری ازدواج نکنـد مگر اینکه با اجازه طرفین طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آنها همچنان برقرار باشد [۲۳]. از طرف دیگر، اگر تغییر جنسیت در دو همسر همزمان صورت گیرد زوجیت آن دو بلافاصله فسخ می‌شود اما می‌توانند مجدداً در شکل جدید بعد از تغییر جنسیت عقد ازدواج بخوانند و احتیاط مستحب آن است کـه صبر کنند تا زمان عده بگذرد [۲۴]. مقتضای قاعده تابعیت عقد از قصد و ماده ۱۹۴ قانون مدنی نیز مبنی بر توافق و تطابق قصـد طرفین درباره نوع عقد و موضوع آن این اسـت که بعد از تغییر جنسـیت نکاحی باقی نماند؛ زیرا تحمیل تعهدات زوج بر مرد فعلی و تعهدات زوجه بر زن فعلی امری است که هیچ‌کدام یک از طرفین آن را قصد نکرده‌اند [۲۵]. بنابراین به نظر می‌رسد با عنایت به نظر فقهای عِظام و این استدلال که با تغییر جنسیت همزمـان زوجین، حقیقت زوجیت مذکور بـه طور قطع از بین می‌رود، زیرا زن و مرد در زوجیت موضوعیت داشـته و با تغییر جنسیت آن دو موضوع اختلاف جنسیت زوجین که شرط بقای نکاح است، منتفی می‌شود. به همین دلیل ازدواج از زمان تغییر جنسـیت زوجین باطل است و آن دو درصورت تصمیم به ادامه زندگی با هم نیازمند عقد جدید هستند.

بر این اسـاس هر گاه زنی در زمـان زوجیت یا عِدّه، با فرد دیگری ازدواج کند و سپس تغییر جنسیت به مرد دهد، آیا عمل او طبق بند اول مـاده ۶۴۴ قانون تعزیرات جرم و قابل مجازات اسـت؟ با عنایت به وضعیت حقوقی عقد نکاح با تغییر جنسیت زوجین (قبلا بیان شد)، درصورتی که زنی که در زوجیت یا عده دیگری اسـت خود را به ازدواج دیگـری درآورد و قبل از صدور حکم و اجرا تغییر جنسـیت دهد باتوجه به نظر فقهای شـیعه [۲۶] ملاک جنسـیت زمان وقوع جرم تعزیری اسـت. بنابراین باوجود تغییر جنسـیت زن به مرد، مشـمول بند یک ماده ۶۴۴ خواهد بود.

تأثیر تغییر جنسیت در جرایم مختص مردان

مردان در مقایسـه با زنان مرتکب جرایم و جنایات بیشتری می‌شـوند و این موضوع بسـیاری را بر آن داشـته تا به بررسی چنیـن اختلافی بیـن زن و مرد بپردازند. بـه طور کلی جنس مذکر و ارتکاب جرم ذاتاً با هم در ارتباط هستند. طبیعت جرایم ارتکابی زنان با مردان متفاوت بوده و در حقیقت مردان بیشـتر از زنان مرتکب جرم می‌شوند و جنس جرایم مردان نیز خشن‌تر از جرایم زنان اسـت. در همین خصوص تأثیر تغییر جنسیت در جرایمی که اختصاص به مردان داشـته و از جمله شـامل ایجاد مزاحمت برای زنان، ترک انفاق، ازدواج با زن شوهردار یا در عِدّه دیگـری، ثبت نکردن ازدواج دائم، طلاق و رجوع، ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی و غیبت و فرار از خدمت وظیفه عمومی هستند، به شرح ذیل قابل بحث و بررسی است:

ایجاد مزاحمت برای زنان

زنان و اطفال به دلیل شرایط خاص و نیز خصوصیات روحی و جسـمی آنان بیشـتر از مردان در معرض آسـیب و جرم قرار می‌گیرنـد، بنابرایـن از قدرت دفاعی کمتری نسـبت به مردان برخوردار هسـتند و به همین دلیل قانون‌گذار نیز در راسـتای حمایـت بیشـتر از آنها، توهین و تعرض به اطفـال و زنان را در ماده ۶۱۹ قانـون تعزیرات به صورت مجزا مقرر کرده و مجازات شـدیدتری را برای مرتکبان آن در نظر گرفته اسـت. ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شـئون و حیثیت به آنان توهین کند به حبس از ۲ تا ۶ ماه و تا ۷۴ ضربه شـلاق محکوم خواهد شد.». بدین‌ترتیب در این ماده توهین نسـبت به مردان به عنـوان عنصر مادی این جرم محلی ندارد؛ بلکه توهین به مردان مشـمول ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات می‌شود. به همین دلیل ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «توهیـن به افـراد از قبیل فحاشـی و اسـتعمال الفاظ رکیک

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

چنانچــه موجب حد قذف نباشــد به جزای نقــدی بیش از ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال محکوم خواهد بود.». (مســتفاد از بند «ج» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳) ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات در بیان مقام فاعل جرم از قید «هر کس» اســتفاده کــرده، بنابراین فاعل جرم می‌تواند شــامل مردان و زنان شود و ماده ۶۱۹ بر این اطلاق دارد که اگر زنــی هم در اماکن عمومی و معابر متعرض و مزاحم زن دیگر یا طفلی شود شــامل این ماده می‌شود، اما باتوجه به اینکه زنان و اطفال بیشــتر در معرض اذیت و آزار و مزاحمت مردان هستند و از مفهــوم و منطوق ماده ۶۱۹، قید «هر کس» را تنها درمورد مردان اســتنباط می‌کنیم. ظاهراً مرتکب جرم موضوع این ماده منحصر در مردان اســت [۲۷]، مضاف بر اینکه در رویه دادگاه‌ها نیز به طور کلی توهین درصورتی که از طرف زنی نسبت به زن دیگر انجام پذیرد، مشمول ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات است.

حال چنانچه مردی جنسیت خود را به زن تغییر دهد به این ترتیب از احکام مردان خارج می‌شــود. بنابراین اگر پس از تغییر جنســیت، شخصی در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم او شود و یا به او توهین کند. مطابق نظر فقهای شیعه [۲۸] نظر به اینکه بعد از تغییر جنســیت مشمول احکام زنان خواهد بود و احکام زنان درخصوص او اجرا شــده، مرتکب به مجازات مقرر در ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات محکوم می‌شــود. همچنین اگر زن پس از تغییر جنســیت به مرد مرتکب این جرم شــود، چون با تغییر جنسیت از احکام زنان خارج می‌شود پس عمل او به دلیل تحقق جرم مذکور مطابق ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات قابل مجازات اســت، اما در مواردی که مرد بعد از تغییر جنسیت به زن، برای زن دیگــری مزاحمت ایجاد کرده یا بــه او توهین کند و نیز اگر زن بعد از تغییر جنسیت به مرد مرتکب چنین اعمالی نسبت به مرد دیگری شود، مشمول ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات خواهد بود.

ترک انفاق

وجوب پرداخت نفقه از مســلمات فقه و حقوق اسلامی بوده و مبتنی بر آیات [۲۹] و روایات [۳۰] است. از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شــخصی زن برعهده مرد است و در ایــن خصــوص زن هیچ‌گونه مســئولیت و تکلیفی ندارد و فرقی نمی‌کند که زن از تأمین هزینه‌های شخصی عاجز باشد یا دارای ثروت فراوان. در هر دو صورت، زن الزامی به تأمین مخارج و مایحتاج خود ندارد؛ بلکه این امر به عهده شــوهر اســت. لازم به ذکر اســت که دائم بودن نکاح و نیز تمکین زوجه، دو شــرط اساسی وجوب نفقه هســتند و مطابق رویه قضایی، تحقق جرم ترک انفاق منوط به تمکین زوجه در قبال شــوهر اســت [۳۱]. قانون مدنی برای حمایت از زنان و حفظ مبانی خانواده در ماده ۱۱۰۶ مقــرر مــی‌دارد: «در عقد دائم نفقهٔ زن به عهدهٔ شــوهر است.» همان‌طور که مطابق ماده ۱۱۰۵ همان قانون: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است و زن موظف است در ایــن خصوص از مرد اطاعت کــرده و تنها وظایف زوجیت را انجام دهد». بدین ترتیب فراهم کردن امکانات لازم برای زندگی و پرداخــت هزینه‌هــا و مخارج زوجه از وظایــف و تکالیف زوج خواهد بود.

قانون‌گــذار بر همین اســاس و در راســتای حمایت هر چه بیشتر از زنان و حفظ و نگهداری بنیان خانواده ترک انفاق را به عنوان یکی از جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی قلمداد کرده و ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات را ضمانت اجرای آن قرار داده است. مطابق ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات: «هر کس با داشــتن استطاعت مالی نفقهٔ زن خود را درصورت تمکین ندهد یا از تأدیهٔ نفقهٔ سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، دادگاه او را از ۳ ماه و یک روز تا ۵ ماه حبس محکوم می‌کند.». این ماده از «هر کس» به عنوان فاعل و مرتکب جرم نام برده اما همان‌طور که نفقه زن به عهده مرد و نیز پرداخت نفقه اولاد نیز بر عهده پدر اســت، قید کلمه «هر کس» اشاره به مردان است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظر مشورتی شماره ۷/۶۲۱-۱۳۷۳/۲/۱۳ اعلام داشته: «با وقوع نکاح دائم زوجه حق مطالبه نفقه و درصورت ترک انفاق از طرف زوج حق تعقیب کیفری را خواهد داشت.» [۳۲] اگرچه درصورت نبود پدر یا اجداد پدری نفقه فرزندان به عهدهٔ مادر اســت و مادر نیز می‌تواند به عنوان مرتکب جرم موضوع ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات قرار گیرد. البته مطابق رویه قضایی چون مادر سمت ولایت ندارد تعقیب کیفری متهم درمورد ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات برای ترک انفاق طفل می‌بایســت طبق ماده واحده مصوب ۱۳۱۶ راجع به تعیین قیم اتفاقی به عمل آید و نمی‌توان به شکایت مادر که به ســمت قیم انفاقی معین نشده ترتیب اثر داد [۳۳]. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نیز مقرر داشته است: «نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا ناتوانی او به انفاق به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. درصورت فقدان پدر و اجداد و یا ناتوانی آنها، نفقه برعهده مادر اســت. هرگاه مــادر هم زنده و یا قادر به

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

انفاق نباشـد با رعایت الاقرب فالاقـرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه مساوی تأدیه کنند.»

بـا عنایت به مطالب مذکور در فرضی که مردی جنسـیت خـود را به زن تغییر داد، آیا بعد از تغییر جنسـیت همچنان ملزم به پرداخت نفقه همسـر سـابق خود اسـت یا خیر؟ به عبارت دیگر درصورتی کـه از پرداخت نفقه خوداری کرد، آیا زن می‌تواند به استناد ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات تعقیب قانونی او را از مرجع قضایی مربوط بخواهد؟ اگر جنسـیت یکی از زن و شـوهر تغییر کند، از هنگام پدید آمدن تغییر، عقد نکاح آن دو باطل می‌شود، زیرا باقی ماندن آن دیگر امکان‌پذیر نیست، چراکه ازدواج مرد با مرد و یا زن با زن مشـروع نیسـت [۳۴]. به عبارت دیگر، رابطه زوجیت قطع شـده و بر همسرش لازم نخواهد بود که همانند سابق از او تمکین خاصی کند، بنابراین مطلقاً حرام اسـت، خواه کمتر از روابط زناشـویی باشد، خواه بیشـتر، چون عمل جنسـی بین دو زن خواهـد بود. در اینجا آنچه درخصوص این مسئله به ذهن می‌رسد، این مطلب است که امکان اثبات بیشـتر این احکام به وسیله استصحاب وجود خواهد داشت به دلیل اینکه این شخص متصف به صفت انسان اسـت (با هر جنسیتی که داشته باشـد)؛ همان گونه که قبلاً مـرد و متصف به این صفت بوده اسـت. در پاسـخ باید گفت که بطلان این فرضیه واضح اسـت؛ زیرا استصحاب فقط زمانی جاری می‌شود که احتمال اسـتمرار حکم وجود داشته باشد، امـا با وجود علم به تبدیل و تغییر حکـم با تغییر موضوع آن حکم قطعاً جایی برای استصحاب نیست و این امر شامل اکثر و بلکه تمام احکام زوجیت است [۳۵]. بدین‌ترتیب و با عنایت به نظر فقهای شـیعه [۳۶] با تغییر جنسـیت شوهر به دلیل اینکه امکان تمکین از همسـر سابق (زن فعلی) وجود نخواهد داشت، مسـتحق نفقه نیز نیسـت و از طرف دیگر، باتوجه به اینکه مرد با تغییر جنسـیت مشـمول احکام زنان می‌شود، از شمول ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات نیز خارج خواهد شد. به همین دلیـل درصورت امتناع از پرداخت نفقه قابل تعقیب و مجازات نیسـت. در فرض دیگر، اگر زنی جنسیت خود را به مرد تغییر داد و بعد از تغییر جنسیت با زن دیگری ازدواج کرد، آیا الزامی به پرداخت نفقه همسـر خود دارد؟ درصورت پرداخت نکردن، عمل او مشـمول عنوان مجرمانه ترک نفقه موضوع ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات خواهد شـد یا خیر؟ به بیان دیگر، بعد از وقوع نـکاح، زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشـت؟ در پاسـخ باید گفت: با تغییر جنسـیت، رابطـه زوجیت بین او و شـوهرش بدون نیاز به طلاق، باطل می‌شـود. طبیعتاً تمکین جنسی او از شـوهرش نیز جایز نیست و به دلیل جایز نبودن تمکین، مستحق نفقه نیز نخواهد شد.

گاهی اوقات نیز گفته می‌شود که امکان اثبات بعضی از این احکام مانند وجوب نفقه و حق حضانت به وسـیله اسـتصحاب خواهد داشـت، اما این نظر به طور قطع درست نیست، به دلیل اینکه موضوع این احکام زن اسـت، درصورتی که این شخص در حال حاضر همسـر این زن نیست. به بیان دیگر، موضوع وجوب نفقه، زوجیت اسـت، در حالی که این زن در حال حاضر همسر این مرد نخواهد بود. موضوع حق حضانت نیز مادر بودن اسـت و در حـال حاضر این زن مادر نیسـت و با خارج شـدن قطعی موضوع، محملی برای استصحاب نیست [۳۷].

درخصـوص ترک انفاق، در حـال حاضر با عنایت به ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ اشعار می‌دارد: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را درصورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سـایر اشـخاص واجب النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شـش محکوم می‌شـود. تعقیب کیفری منوط به شـکایت شـاکی خصوصی اسـت و درصورت گذشـت او از شـکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شـود. تبصـره - امتناع از پرداخت نفقه زوجه‌ای که به موجب قانون مجاز به تمکین نکردن است و نیز نفقه فرزندان ناشـی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی مشمول مقررات این ماده است.» از آنجایی که ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات بـه موجب بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده نسـخ شـده اسـت، در فرضی که مردی مرتکب جرم موضـوع ماده ۵۳ قانون حمایت خانـواده مصوب (ترک انفاق) شده و قبل از صدور حکم و اجراء جنسیت خود را به زن تغییر دهد، با عنایت به نظر فقهای شیعه، ملاک جنسیت زمان وقوع جرم تعزیری است. بنابراین باوجود تغییر جنسیت مرد به زن، از شـمول ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده خارج نخواهد شد و ماده ۵۳ قانـون حمایت خانواده لازم‌الاجرا خواهد بود نه ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

ازدواج با زن شوهردار یا در عِدّه دیگری

از اعمال دیگری که برای حفظ بنیان خانواده و همچنین حمایت از مبانی شرعی و اخلاقی جامعه جرم‌انگاری شده و در قانون مجازات اسلامی برای مجازات آن لحاظ شده، ازدواج با زن شـوهردار یا زنی است که در عِدّه مرد دیگری است. برای ممانعت از اختلاط در نسـل، زن نمی‌تواند بیش از یک شوهر داشـته باشد. به همین علت قانون مدنی در ماده ۱۰۵۰ مقرر می‌دارد: «هر کس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح یا زنی را که در عِدّه طلاق یا عِدّه وفات است با علم به عِدّه و حرمت نکاح برای خود عقد کند، عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.» ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات به عنوان ضمانت اجرای آن مقرر می‌دارد: «کسـانی کـه عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شـوند به حبس از ۶ ماه تا ۲ سـال و یا از ۳ تا ۱۲ میلیـون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند:

۱- هر زنی که در قید زوجیت یا عِدّه دیگری است خود را به عقد دیگری درآورد، درصورتی که منجر به مواقعه نشود.

۲- هر کسی که زن شوهر دار یا زنی را در عِدّه دیگری است برای خود تزویج کند درصورتی که منتهی به مواقعه نشود.». بنابراین این ماده (بند دوم) درخصوص بند سـوم (تزویج زن شوهردار یا در عِـدّه دیگری) موضوعیت دارد. فاعل جـرم در بند دوم ماده ۶۴۴ قانـون تعزیرات باوجود قید کلمـه «هر کس» ناظر به هر مردی است که مرتکب چنین جرمی شود.

حال اگر مرد پس از تغییر جنسـیت به زن، مرتکب چنین عملی (موضوع بند دوم ماده ۶۴۴) شـود آیـا مجازات مقرر در مـاده ۶۴۴ قانون تعزیرات درخصوص او اعمال می‌شـود یا نه؟ همان‌طور که قبلاً نظر فقهای شیعه در این مورد بیان شد [۳۸] مرد پس از تغییر جنسیت به زن از احکام مردان خارج می‌شود. بنابرایـن درصورتی که مرتکب چنین عملی شـود، با عنایت به اینکه از منظر فقه شیعه و قانون مدنی ازدواج با همجنس مشروع نیست، بطلان ازدواج آنان امری بدیهی خواهد بود. از طرف دیگر، درصورتی که زن پس از تغییر جنسـیت به مرد، زن شوهردار یا در عِدّه دیگـری را به عقد خویش درآورد به دلیل اینکه پس از تغییر مشمول احکام مردان خواهد شد، فعل او مشمول بند دوم ماده ۶۴۴ قانون تعزیرات شده و مجازات درمورد او مطابق حکم ماده مذکور اعمال می‌شود.

ثبت نکردن ازدواج دائم، طلاق و رجوع

از جمله جرایم دیگری که مختص مردان اسـت ثبت نکردن ازدواج دائم، طلاق و رجوع است. مطابق نظامات دولتی و حکومتی نکاح، طلاق و رجوع از وقایع مهمی هسـتند که باید ثبت شوند و ثبت رسـمی هر یک از این وقایع ضمن اینکه در ارتباط با اثبات ادعاهای مختلف و انکار آنها، ادعای چند نفر راجع به یک نکاح و نکاح در عِدّه و موارد مشابه حائز اهمیت است، به‌منظور حمایت از خانـواده و زنان نیز مفید خواهد بود. به همین علت این امر مورد توجه قانون‌گذاران قـرار گرفته، به طوری که در ماده ۶۴۵ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی اسـت. چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع کند، به مجازات حبس تعزیری تا یک‌سـال محکوم می‌شـود.». همان‌طور که اشـاره شد این ماده فقط شامل مردان است و حکم آن مشمول زنان نمی‌شود. بنابراین درصورتی که مرد پس از تغییر جنسـیت به زن با شـخص دیگری ازدواج کند، با عنایت به نظر فقای شـیعه [۳۹] و نظر به اینکه بعد از تغییر جنسـیت به زن مشـمول احکام زنان می‌شود و ماده ۶۴۵ قانون تعزیرات نیز مرد را موظـف به ثبت این وقایع کرده، زنان در این مورد مسـئولیتی ندارند و از شـمول این ماده خارج هسـتند. اما در فرضی که زنی بعـد از تغییر جنیت به مرد اقدام بـه ازدواج دائم، طلاق و رجوع کند، ملزم به ثبت آن وقایع خواهد بود. به همین دلیل درصورت ثبت نکردن وقایع موصوف توسط مرد فعلی، مجازات مقرر در ماده ۶۴۵ قانـون تعزیرات درمورد او اعمال می‌شـود. درخصوص ثبت نکردن ازدواج دائم، طلاق و رجوع در حال حاضر با عنایت به ماده ۴۹ قانـون حمایت خانواده مقرر مـی‌دارد: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسـمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پـس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خـودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه، به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شـود. این مجـازات درمورد مردی که از ثبت انفسـاخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است». از آنجایی که ماده ۶۴۵ قانون تعزیرات به موجب بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده نسـخ شده، بنابراین درخصوص ثبت نکردن ازدواج دائم، طـلاق و رجوع، ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده لازم‌الاجرا است نه ماده ۶۴۵ قانون تعزیرات.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی

همان گونه که در قانون مدنی اشاره شده، ازدواج دختر قبل از رسیدن به بلوغ منوط به اذن ولی، به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح شده است. ماده ۱۰۴۱ ق.م مقرر می‌دارد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.» قانون‌گذار در ماده ۶۴۶ قانون تعزیرات ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی را جرم‌انگاری کرده، به طوری که در این ماده مقرر داشته: «ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج کند به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می‌شود.». لازم به ذکر است در این ماده به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره آن اشاره شده؛ در حالی که این ماده و تبصره آن در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۷ اصلاح شد، به شرحی که در فوق آمده است.

منظور از ازدواج در ماده ۶۴۶ اعم است از ازدواج دائم یا موقت و منظور از ولی، پدر یا جد پدری است و اگر زنی با پسر نابالغی ازدواج کند، مشمول این ماده نمی‌شود [۴۰]. در این ماده مرتکب جرم فقط مردی است که بدون اخذ اجازه از ولی دختر او را به عقد نکاح خود درمی‌آورد، بنابراین دختر نابالغ به علت فقدان مسئولیت کیفری مطابق ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی قابل پیگرد نیست. منظور از ازدواج، عقد ازدواج است [۴۱]، بنابراین با عنایت به ماده ۶۴۶ قانون تعزیرات نکاح قبل از بلوغ ممنوع است و بدیهی است درصورتی که مطابق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در فرض ازدواج نابالغ، مصلحت او رعایت نشود، موجب بطلان عقد نکاح خواهد شد.

باتوجه به توضیحات فوق درصورتی که زن بعد از تغییر جنسیت به مرد اقدام به ازدواج با دختری نابالغ بدون اذن ولی او کند، با عنایت به نظر فقهای شیعه [۴۲] و نظر به اینکه زن با تغییر جنسیت مشمول احکام مردان خواهد بود، قانون‌گذار هم ازدواج با دختر نابالغ بدون اذن ولی را ممنوع کرده و طبق ماده ۶۴۶ قانون تعزیرات جرم‌انگاری کرده است. بنابراین عمل ارتکابی او مشمول عنوان مجرمانه ماده موصوف و قابل مجازات است. در حال حاضر با عنایت به ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که اشعار می‌دارد: «هرگاه مردی بر خلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. هر گاه ازدواج مذکور به مواقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به مواقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود. تبصره - هر گاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تأثیر مستقیم داشته باشند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم درمورد عاقد نیز مقرر است.» همان‌طور که در بحث ترک انفاق و بحث ثبت نکردن ازدواج دائم، طلاق و رجوع گفته شد، از آنجایی که ماده ۶۴۶ قانون تعزیرات به موجب بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده نسخ شده است، درخصوص ازدواج با نابالغ بدون اذن ولی، ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده لازم‌الاجرا است نه ماده ۶۴۶ قانون تعزیرات.

غیبت و فرار از خدمت وظیفه عمومی

یکی دیگر از جرایمی که مختص مردان است و فقط درخصوص آنان متصور است، غیبت و فرار از خدمت وظیفه عمومی است. ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی در این خصوص مقرر می‌دارد: «دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون هستند و هیچ فرد مشمول خدمت وظیفه عمومی را جز در موارد مصرحه در این قانون نمی‌توان از خدمت معاف کرد.» بنابراین در راستای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور کلیه افراد ذکور ایرانی موظف خواهند بود که دوران خدمت وظیفه عمومی را سپری کنند. بدیهی است که زنان از انجام این وظیفه معاف هستند، بنابراین غیبت و فرار از خدمت وظیفه عمومی درخصوص آنان موضوعیت ندارد؛ اما افراد ذکور درصورت حضور نیافتن به موقع برای انجام خدمت سربازی، غیبت و یا فرار از خدمت مرتکب جرم و قابل مجازات هستند. فصل هفتم از قانون خدمت وظیفه عمومی به غیبت مشمولان وظیفه عمومی و جرائم و مجازات‌های مرتبط با خدمت وظیفه عمومی اختصاص دارد. بنابراین مطابق با این

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

قانون و نیز آیین‌نامه‌های مربوط به آن، مشمولان خدمت وظیفه عمومی درصورت غیبت و یا فرار از خدمت بر حسب نوع غیبت و مدت آن یا فرار به مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

حال درصورتی که مردی مبتلا به تمایلات روانی جنس مخالف است و از انجام خدمت وظیفه عمومی غیبت کرده و یا در حین خدمت وظیفه عمومی فرار کند و سپس با عنایت به بیماری که از آن رنج می‌برد، اقدام به تغییر جنسیت خود به زن کند، در این صورت آیا همانند سابق تکلیفی به انجام خدمت وظیفه عمومی خواهد داشت یا خیر؟ همچنین اگر زنی جنسیت خود را به مرد تغییر داد، آیا بعد از تغییر جنسیت تکلیفی به انجام خدمت عمومی خواهد داشت؟ به عبارت دیگر، آیا مشمول ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی می‌شود؟ به موجب بند ۴ و تبصره یک ماده ۳۹ قانون خدمت وظیفه عمومی و بند ۱۲ از بخش پنجم فهرست بیماری‌ها، نقص عضوها و رشد نکردن موضوع تبصره ماده (۲) آیین‌نامه معاینه و معافیت پزشکی مشمولان خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۹۳ افراد مبتلا به اختلالات هویت جنسی از انجام خدمت وظیفه عمومی به صورت دائم معاف هستند. بدین‌ترتیب ماده ۳۹ قانون خدمت وظیفه عمومی مقرر داشته: «مشمولان خدمت وظیفه عمومی از نظر وضع مزاجی و استعداد جسمی و روانی به ۴ دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند: ... ۴ - مشمولانی که به علت نقص عضو یا ابتلا به بیماری جسمی و یا روانی به طور دائم قادر به انجام خدمت دوره ضرورت نیستند. ...» و بند ۱۲ از بخش پنجم فهرست بیماری ها، نقص عضوها و فقدان رشدهای موضوع تبصره ماده (۲) آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «بخش پنجم: بیماری‌های اعصاب و روان ... بند ۱۲- اختلال هویت جنسی (TS) با ارائه گواهی پزشکی قانونی و تأیید در مراکز درمانی نیروهای مسلح: معاف دائم...» بنابراین مبتلایان به اختلال هویت جنسی درصورت فرار یا غیبت از خدمت وظیفه عمومی تحت تعقیب و مجازات قرار نخواهد گرفت و به عبارت دیگر مشمول ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی نمی‌شوند و از معافیت دائم مطابق آیین‌نامه موصوف برخوردار هستند.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه در این مقاله به آن رسیدیم، تغییر جنسیت یکی از مباحث مستحدثه فقهی و حقوقی است که بدون تردید در عصر کنونی دو علم پزشکی و حقوق را تحت تأثیر خود قرار داده است. بنابراین این مسئله می‌بایست هم در فقه و هم در علم پزشکی و حقوق مورد بررسی قرار گیرد. بیشتر متقاضیان تغییر جنسیت را اشخاص فراجنسیتی تشکیل می‌دهند که شامل افرادی هستند که دارای یکی از دو آلت تناسلی بوده و از زمره مردان و زنان محسوب می‌شوند، اما از لحاظ روانی تمایلات جنسی، گرایش به جنس مخالف دارند. در تحلیل این موضوع به این نکته دست می‌یابیم که اشخاص خنثی، ممسوح و فراجنسیتی ۳ نوع متفاوت از اختلالات جنسیتی هستند که ویژگی منحصر به خود را دارند و تغییر جنسیت در معنای دقیق کلمه درمورد افراد فراجنسیتی صدق پیدا می‌کند.

مسئله مهمی که درخصوص این قبیل افراد وجود دارد، این است که افراد جامعه شناخت کافی از آنان و مشکلات آنها نداشته و اکثر بیماران فراجنسیتی را با افراد همجنس‌گرا یکی می‌دانند. این در حالی است که اشخاص فراجنسیتی از این بحران جنسیتی رنج می‌برند. به همین دلیل بیمارانی هستند که می‌بایست تحت درمان قرارگیرند و چنانچه این افراد درمان نشوند، ممکن است افراد زیادی را در جامعه گرفتار کنند.

از لحاظ نظری درخصوص مسئله تغییر جنسیت ۳ نظر وجود دارد. نظریه نخست قائل به ممنوعیت مطلق تغییر جنسیت است، نظریهٔ دوم قائل به پذیرش مطلق تغییر جنسیت و جواز آن است و نظریهٔ سوم قائل به مشروعیت مشروط تغییر جنسیت است. مطابق نظریهٔ اخیر تغییر جنسیت بنا به ضروریات و مصالح فرد و اجتماع (از جمله تجویز پزشک) به صورت مشروط پذیرفته شده است. مشهور فقهای شیعه قائل به نظریه سوم (مشروعیت مشروط) هستند و بدین‌ترتیب عمل تغییر جنسیت به اقتضای ضرورت و به تشخیص پزشک را به عنوان مبنا پذیرفته‌اند که قابل انطباق با علم پزشکی نیز هست. نظر غالب محققان نیز بر آن است که تغییر جنسیت به طور مشروط، مشروع و مجاز است، کمااینکه کشورهایی که تغییر جنسیت را پذیرفته‌اند، آن را با حصول شرایطی مجاز می‌دانند. بنابراین تغییر جنسیت درصورتی که با رعایت تمام استانداردهای روز پزشکی بر حسب تشخیص و تأیید پزشک متخصص و اخذ مجوزهای قانونی انجام شود، با قواعد و اصول حقوقی منطبق و با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایرت نخواهد داشت. در حال حاضر نیز تغییر جنسیت به دو روش هورمون درمانی و جراحی امکان‌پذیر است.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

باتوجه به خـلأ قانونی موجود در ایران، مشـروعیت تغییر جنسـیت از سوی فقهای شیعه و در رأس آنها امام خمینی (ره) می‌تواند پشتوانه‌ای برای روند حقوقی این مسئله محسوب شده و منشـأ قانونی بودن تغییر جنسیت در کشور باشد. در حقیقت دستیابی به پاسخ‌های مناسب فقهی درخصوص مسائل مختلف مربوط به تغییر جنسـیت و آثار آن می‌تواند تأسیسات حقوقی مربوط به این مسئله را نیز انسجام بخشد؛ اگر چه با یک موضوع حقوقی روبه‌رو هستیم که تازگی داشته و هنوز جایگاه قانونی و اجتماعی خود را پیدا نکرده؛ اما باتوجه به پیشرفت علم پزشکی و تحولات اجتماعی در جوامع، این مسئله خیلی بیشتر از گذشته مطرح خواهد شد. به همین دلیل ضروری است این امر از سوی صاحب‌نظـران از جملـه حقوقدانان و قانون‌گـذاران مورد توجه قـرار گیرد تا با طرح و تصویب قوانین مرتبـط در این زمینه از بلاتکلیفی و ابهامات موجود رفع اثر شود.

تغییر جنسـیت افراد مبتلا، علاوه بـر آثار فقهی و حقوقی، سـبب پیدایش آثار کیفری نیز خواهد بود، زیرا جرایمی هستند کـه به علت نوع جرم، فاعل جرم فقط یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث خواهد بود. درصورتی که تغییر جنسیت انجام شود، امکان تغییـر نوع جرم ارتکابی و مجازات آن خواهد بود. حتی امکان از بیـن رفتن وصف مجرمانه عمل نیز وجـود دارد که از آن جمله می‌توان به تأثیر تغییر جنسـیت در جرایـم مرتبط با تعزیرات اشاره کرد. در تعزیرات، تغییر جنسیت در جرایم مختص زنان و مردان مؤثر اسـت. بدین‌ترتیب، مردی که مرتکب جرم تعزیری شـده و قبـل از صدور حکم، مجازات و اجـرای آن به زن تغییر جنسـیت دهد، زن فعلی تابع آثار و احکام زنان است و نیز زنی که مرتکب جرم تعزیری شـده و قبل از صـدور حکم، مجازات و اجرای آن به مرد تغییر جنسـیت دهـد، مرد فعلی تابع آثار و احکام مردان خواهد بود.

تأییدیه اخلاقی: پژوهش حاضر توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی مورد تأیید قرار گرفته است.

تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سـهم نویسـندگان: هر دو نویسنده سهم یکسانی در نگارش این مقاله داشته‌اند.

منابـع مالی: پژوهش حاضر مورد حمایت مالی هیچ موسسـه یا دانشگاهی قرار نگرفته است.

References

1. Hassan A. Farhang-e Rooz Sokhan. Tehran: Sokhan, Third Editions, 2007, Pp. 318. [Persian]
2. Surah Ma'idah, verse 12; Surah Al-A'raf, verse 157; Surah Fatah, verse 9. [Persian]
3. Mohammad Ali A. Public Criminal Law. Tehran: Mizan Publishing, 24th Edition, Volume 3, 2021, Pp. 59. [Persian]
4. Abu al-Qasim Najmuddin Ja'far ibn Hassan MH, Sharia al-Islam in matters of halal and Haram. Qom: Nashr al-Faqih, Fourth Editions, Volume 2, 1434 AH / 2013. [Persian]
5. Mohammad Hassan N, Jawahar al-Kalam, Volume 42, Tehran, Islamic Library, 1986, Pp. 344. [Persian]
6. Mohammad Jafar JL. Legal Terminology. Tehran: Ganj-e-Danesh, Thirteenth Editions, 2003, Pp. 163. [Persian]
7. Iraj G. The Edge of the Islamic Penal Code, Tehran: Majd Publications, Tenth Editions, 2021, Pp. 66. [Persian]
8. Mohammad Ali A. Public Criminal Law. Volume 3, Ibid. [Persian]
9. Abbas Z. Brief Description of the Islamic Penal Code. Tehran: Qaqnos Publications, Third Editions, Volume 1, 2014, Pp. 80. [Persian]
10. Morteza M. The issue of hijab. Tehran: Sadra Publications, 39th Editions, 1990, Pp. 149-150. [Persian]
11. Massoud M. Rules and Relations between Men and Women and Their Social Issues. Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office, 1998, Pp. 74. [Persian]
12. Iraj G. In-person referendum from the offices of the great authorities. Pp. 632. [Persian]
13. Abbas Z. Brief Description of the Islamic Penal Code. Tehran: Qaqnos Publications, Second Editions, Volume 2, 2015, Pp. 221. [Persian]
14. Ibid., P. 222. [Persian]
15. Sayyid Ruhollah Al-MK, Tahrir al-Waseela. Translated by Sayyid Muhammad Baqir Mousavi Hamedani. Qom: Dar al-Alam Publishing House, Fourth Editions, Issue 5, 2012, Pp. 888. [Persian]
16. Mohammad MQ. A speech about gender reassignment. Ahl Al-Bayt Jurisprudence Magazine, Year 6, Number 23, Pp. 97.
17. Alireza B. Legal Effects of Gender Transformation. Quarterly Journal of Teacher of Humanities. 2004;8(3):113-4. [Persian]
18. Sayyid Ruhollah Al-MK, Tahrir al-Wasila. Translated by Sayyid Muhammad Baqir Mousavi Hamedani, ibid., Issue 4, Pp. 887-888. [Persian]
19. Nasser MS. Treatise on Judgments for Women, prepared by Abolghasem Aliannejadi. Qom: Imam Amir Al-Momenin School, Volume 1, 2001, Pp. 470-472. [Persian]
20. Hossein Ali M. Treatise of Referendums. Qom: Shadow, Volume 2, 2004, Pp. 408. [Persian]
21. Mohammad MQ. A Word on Change, Ibid, pp. 97-98; Mohammad M, Jurisprudential-legal study of gender reassignment and its consequences, translated by Hossein Habibi Tabar, Quarterly Journal of Islamic Sciences, first year, third issue, autumn 2006, pp. 9-10. [Persian]
22. Seyyed Mohsen K. Gender reassignment. Ahl Al-Bayt Jurisprudence Magazine, Year 6, Number 23, Bita, Pp. 114. [Persian]

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]

23.Yousef S. Medical Referendums. Meysam Tamar, Second Editions, 1998, Pp. 105-106. [Persian]
24.Gholam Hossein K, Rulings of Physicians and Patients - Fatwa of Ayatollah Mohammad Fazel Lankarani, Qom, Jurisprudential Center of the Imams, Issue 351, 2006, Pp. 141. [Persian]
25.Alireza B, Legal Effects of Gender Transformation, Ibid, P. 112. [Persian]
26.In-person inquiries obtained from the offices of the great authorities mentioned earlier. [Persian]
27.Abbas Z, Brief Description of the Islamic Penal Code, Volume 2, Ibid, p.183. [Persian]
28.In-person inquiries obtained from the offices of the great authorities mentioned earlier. [Persian]
29.Baqara, verse 232; Tallaq, verse 7. [Persian]
30.Muhammad ibn Hassan HA, Wasa'il al-Shi'ah, Volume 19, Tehran, Islamic Library, fifth edition, 1401 AH, Chapter 1 of the chapters of alimony. [Persian]
31.Judiciary Press and Publications Center, Collection of Judicial Opinions of the Supreme Court (Criminal) - (October, November, December), Tehran, First Edition, 2015, pp. 731-733. [Persian]
32.Abbas Z, Brief Description of the Islamic Penal Code, Volume 2, Ibid., P. 219. [Persian]
33.Bahman K, Marhashi Collection of the Penal Code, Tehran, Ganj-e-Danesh Publications, fourth edition, 2002, p.74. [Persian]
34.Mohammad MQ, A Word on Change, Ibid, P. 97; Mohammad M, Jurisprudential-legal study of gender reassignment and its consequences, ibid, P.9. [Persian]
35.Sayyid Muhammad Sadegh S, Beyond Jurisprudence, Volume 6, Beirut, Dar al-Azwa, 1966, p. 138. [Persian]
36.In-person inquiries obtained from the offices of the great authorities mentioned earlier. [Persian]
37. Sayyid Muhammad Sadegh S, Ibid, P. 145 [Persian]
38.In-person inquiries obtained from the offices of the great authorities mentioned earlier. [Persian]
39.In-person inquiries obtained from the offices of the great authorities mentioned earlier. [Persian]
40. Iraj G, Ibid, P. 634. [Persian]
41.Abbas Z, Brief Description of the Islamic Penal Code, Volume 2, Ibid, P. 225. [Persian]
42.In-person inquiries obtained from the offices of the great authorities mentioned earlier. [Persian]

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-06]